

چرا روز قدس؟! ...

روز قدس بسیار مهم است؛ صرفاً این نیست که ما از یک ملت مظلومی که از خانه‌ی خود رانده شده داریم دفاع می‌کنیم؛ ما در واقع داریم با یک نظام سیاسی ظالمانه و استکباری مبارزه می‌کنیم. امروز دفاع از فلسطین دفاع از حقیقت است؛ مسئله‌ای بسیار گسترده‌تر از فلسطین؛ امروز مبارزه با رژیم صهیونیستی مبارزه با استکبار است، مبارزه با نظام سلطه است. روز قدس را باید بزرگ دانست. راه‌پیمایی روز قدس خیلی مهم است.

مقام معظم رهبری مدظله العالی



قدر الله ان فلسطين سوف تحرر

بنیاده انقلابی فلسطینی بسیج علی‌الکلیت

تقدیر خداوند این است که فلسطین آزاد خواهد شد.

Allah Has Ordained That Palestine Will Be Liberated.

مقام معظم رهبری مدظله العالی

مسئله فلسطین از دستور کار نظام جمهوری اسلامی خارج نخواهد شد.

توروح برجام...!!

با تصویب تحریم‌های جامع موسوم به S.۷۲۲ علیه ایران در مجلس سنا که به تایید مجلس نمایندگان و امضاء ترامپ نیز خواهد رسید؛ عملاً روح و جسم برجام نقض شد. بر خلاف آنچه گفته می‌شد تحریم‌های تسلیحاتی و موشکی در بازه ۵ و ۸ ساله خاتمه می‌یابد؛ مغایر با بندهای ۳ و ۵ پیوست دوم قطعنامه ۲۲۳۱ عمل شد و در تحریم‌های جامع و جدید آمریکا، تحریم‌های موشکی و تسلیحاتی دائمی می‌گردد. این تحریم‌ها عملاً قطعنامه مذکور را به کاغذ پاره‌ای، فاقد ضمانت تبدیل می‌کند. از سوی دیگر، علیرغم تعهد آمریکا مبنی بر بازگشت ناپذیر بودن تحریم‌های معلق شده در برجام، مجدداً همه آنها بازگردانده می‌شود. بدین ترتیب بندهای ۲۶ و ۲۹ برجام نیز نقض می‌گردد. در تحریم‌های موسوم به S.۷۲۲ زیر ساخت اعمال تحریم‌های جدید به بهانه حقوق بشر... مهیا و عملیاتی می‌شود که این موضوع هم نقض روح و جسم برجام است.

روحانی با مرگ برجام چه خواهد کرد؟

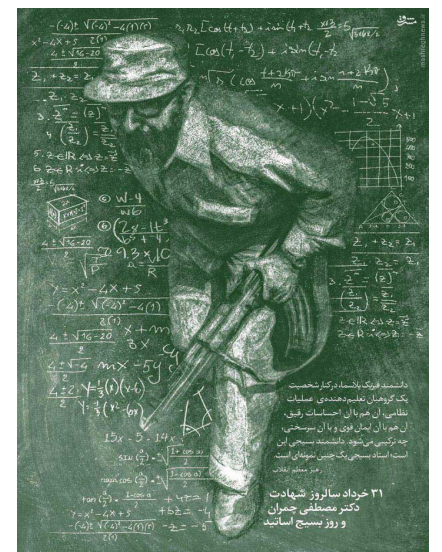
۱) روحانی مرگ برجام را می‌پذیرد و به سهل اندیشی، اشتباه محاسباتی و شکست ایده مرکزی دولت خود اعتراف می‌کند.

۲) روحانی با عمل به مکانیزم ماله کشی اجازه می‌دهد تا آمریکایی‌ها برجام را با دلخواه خود اجرا کنند.

۳) روحانی با اروپایی‌ها، حیات مصنوعی برجام را در وضعیت کما حفظ کرده و افکار عمومی را تخدیر می‌کند.

۴) روحانی با مقصر تراشی برای هزینه‌های شکست خود، وارد چالش دوگانگی با حاکمیت و زمینه سازی برای برجام‌های ۴،۳،۲ می‌گردد. در کوتاه مدت عمل به سناریوهای ۲ و ۳ متصور می‌باشد؛ اما در میان مدت باید سناریوی چهارم را به انتظار نشست.

۲۱ خرداد سالروز شهادت دکتر مصطفی چمران و روز بسیج اساتید
www.mashreqnews.ir



طنزیم ...

@tanzym

خدا کنه روی این موشکها جملات خوبی نوشته باشن. مثلاً: تقدیم با عشق!
یه موقع بعضیا ناراحت میشن که چرا از جملات خوبی استفاده نشده!

الان روحانی میاد میگه: آقای سپاه پاسداران بنارید یه موشک برا مردم بمونه موشکو سیاسی نکنید موشکو جناحی نکنید موشک مال همه مردمه

خدا میدونه با پول این موشکا چندتا دختر و میشد فرستاد خونه بخت چندتا زندانیو میشد آزاد کرد چندتا فقیر و میشد سیر کرد چندتا روشنفکرو میشد درمان کرد

من گه بان ایرانم



گر دشمن این خاک نشود گرگ، نشود تسیر
دندان بکند تیسز، نشامم بدهد چنگ
گر بسک و جب از خاک مرا چشم بدوزد
تاوان بدهد خاکش فرستگ به فرستگ



فرماندهی معظم کل قوا

این را هم دشمن بداند و هم دوستانی که دلشان می لرزد: دشمنان نمی توانند به ما سلیبی بزنند؛ ما به آن ها سلیبی خواهیم زد.

«آتش به اختیار» را بفهمند! من البته بگویم که حتی این جماعت هم خواسته یا ناخواسته، آتش به اختیارند اما به فرمان و به اختیار دشمن بیرونی! یکی هست هنگام آتش به اختیاری، اسیر نفس و اسیر خواست دشمن می شود و از شلیک هیچ فتنه‌ای و دروغی و دغلی به انتخاباتی با ۴۰ میلیون رأی دریغ نمی کند و یکی هم سوار قطار می شود و در معیت دوستان دانشجوی خود، می رود جنوب تا با کمترین پول ممکن در حد هیچ و با کمترین امکانات ممکن در حد هیچ، مدرسه نیمه‌ساز روستایی را تمام کند! در مورد دوم، آتش به اختیاری، باری از دوش مردم و دولت و نظام برمی دارد و در مورد اول، بار فتنه را تحمیل می کند به گرده همین نظام و همین دولت و همین مردم!

لازم است که بیش از پیش بدانیم شرط تحقق کار، نه داشتن میز و صندلی و اداره، بلکه داشتن اراده است! اداره باشد و اراده نه، کاری جز کاغذبازی پیش نمی رود اما اراده اگر باشد، در اداره هم نباشی و میز و صندلی هم نداشته باشی، باز کار و خدمت ممکن است! بگذریم که اصلا و اساسا برای انجام بسیاری از کارها، همان به که «ایستاده» باشی! و خاصیت پست و صندلی، دعوت آدمی به «نشستن» است! نبود پول، فقدان امکانات، عدم حمایت دولت و کم توجهی این و آن، هیچ کدام بهانه انفعال نمی شود! باید روحیه کار انقلابی داشت! باید اینطور فکر کرد که امروز «۱۲ بهمن ۵۷» است و کار زیاد و صندلی هیچ! آن روز، چه کسی به کجا منصوب بود، که اتفاقا آن همه هم کار پیش رفت؟! پس کار، اراده می خواهد، نه اداره! و من، فرمان «آتش به اختیار» را اول بار، از خمینی شنیدم در همه آن روزها و در همه آن سخنان که با وجود دولت، مخاطب را ملت قرار می داد! و از ملت می خواست! و از ملت، تنبلی و سستی را قبول نمی کرد! مع الاسف دولت محترم فعلی، اهمیت تقاضای کار جهادی از ملت را صدچندان کرده! در هر حوزه‌ای، به شکل خودجوش باید از بارها و از کارها کم کرد اما «خودجوش» یک مقوله است و «خودسر» مقوله‌ای دیگر! در جمهوری اسلامی، هیچ بزرگواری، اندازه امام و حضرت آقا بر کار خودجوش تأکید نکرده‌اند و هیچ بزرگواری اندازه این دو بزرگ، به نفی خودسری نپرداخته‌اند! بنابراین «آتش به اختیار» تنها و تنها مجوزی البته مسبوق به سابقه برای خدمت بیشتر و گسترده‌تر و ملی‌تر و کم‌خرج‌تر است، نه خروج از مناسبات انضباطی! از همه بیشتر، آن کسی رهرو راه عمار است، که بیشتر از همه کار کند! و «کار» هم الحمدلله یک مفهوم انتزاعی نیست که در راه تحقق آن، نتوان آتش به اختیار عمل کرد! تو می بینی امام را دارند تحریف می کنند! آتش به اختیار، روشنگری کن! این مهم، نه مجوز وزارت ارشاد را می خواهد، نه حکم از صدا و سیما! بردار و حقایق امام را تبیین کن! روزنامه نداری؛ صفحه مجازی تأسیس کن! تو می بینی مردم فلان محله، بهمان مشکل را دارند و راه حلی هم بدون کمک از دولت یا شهرداری، به ذهن می رسد، بسم!...! در نهایت، لازم است اشاره به یک نکته! صرف نظر از جماعت قلیل و عمدتا مجازی‌باز که از فرط بلاهت، وحدت و اتحاد و با هم بودن را تنها برای ۲ ساعت می خواهند و قبل و بعد این ۲ ساعت، اندک احترامی برای مدافعان مظلوم حریم امنیت کشور قائل نیستند، دیدیم و خواندیم و شنیدیم که این روزهای اخیر، حتی نکته‌بینان جناح مقابل و عاقل ترهای شان، صحنه کامل گذاشتند بر مقوله «آتش به اختیاری» و ضمن نقد رویه دور از عقل و انصاف مجازی‌بازها، تصریح کردند که واقعا اگر می خواهیم از بار مشکلات کم شود، ضمن دانستن قدر، ارزش و البته معنی و مفهوم پیام رهبر، همه باید به میدان کار بیاییم و بهانه‌ها را وانهییم! دوستان! عزیزان! مخالفان! موافقان! معاندان! مجازی‌بان! خیلی سخت نیست فهم این امر ساده که «حضرت آقا»ی ما یا همان عزیز فرزانه که رسانه دشمن «ایت‌الله خامنه‌ای» می خواندش، ناظر بر وجود مشکلات، کمافی‌السابق، مردم را دعوت مجدد به میدان کار و تلاش کرده! هر که دلش برای ایران می سوزد، آستین همت بالا بزند و هر که نه، پرده بردارد از میزان فهم و شعور خود!

«آتش به اختیار» یعنی کار «اراده» می خواهد، نه «اداره»!



حسین قدیانی

www.ghadiany.com

در جمهوری اسلامی، مردم همیشه در صحنه، هرگز اینگونه نبودند و نیستند که بیرون گود بنشینند و مدام، این و آن را نقد کنند! نقد اگر بوده، کار جهادی مخلصانه بی‌اذن و دستور هم بوده. چه در عرصه فرهنگ، چه در عرصه سیاست و چه در عرصه خدمت، به موازات همه نقدها، همواره شاهد تلاش‌های خودجوش نیز بوده‌ایم. این مهم، در مقاطع مختلف انقلاب بوده و باز هم خواهد بود. اینکه ما مدعی هستیم «مردم، خودشان را صاحبان اصلی انقلاب می‌دانند» عمدتا ناظر بر همین کارهای درون‌زا و خدمات خالصانه بی‌حقوق و مزایاست، نه صرف حضور در یوم‌الله ۲۲ بهمن یا یوم‌الله انتخابات! اساسا وجه ممیزه انقلاب اسلامی با سایر انقلاب‌ها و جمهوری اسلامی با سایر نظام‌ها، در همین روحیه جهادی و البته حفظ و تثبیت و امتداد آن است! آن گروه دانشجویی جهادی که از شهرهای بزرگ، بلند می شود می‌رود روستای لب مرز و به قدر وسع خود، خدماتی عمرانی یا فرهنگی ارائه می‌دهد، قبل از دیدار اخیر دانشجویی حضرت آقا هم «آتش به اختیار» بوده! پس اشتباه محض آنجاست که فکر کنیم فرمان جدیدی صادر شده! نخیر! فقط و فقط تأکید مجدد شده بر همان فرامین قبلی که همچنان باید وسط صحنه بود! و بلکه بیشتر از قبل، چرا که قصورها و تقصیرها متأسفانه بیشتر شده! در مواجهه با مشکلات، نسخه بعضی‌ها صرفا نقد است و نسخه بعضی‌ها صرفا انفعال اما «اینجا جمهوری اسلامی است» و مردم پای کار دارد!

اگر دشمن بعضی قرار است ۸ سال تمام، به پشتوانه همین آمریکای خبیث و همین شیوخ مرتجع منطقه، دردسر برای ما درست کند، مردم همیشه در صحنه ما، آن مردمی نیستند که صحنه را خالی کنند! «آتش به اختیار» یعنی حضور مرجع تقلیدی که سالها در جبهه! یعنی حضور پیرزنی در جبهه، با بافتنی‌هایش! یعنی این همه دانشجوی شهید! این همه طلبه شهید! این همه کارگر شهید! دقت شود! «آتش به اختیار» آنجا که در «مکتب اسلام» قرار می‌گیرد و از لسان «ولی‌فقیه» صادر می‌شود، «آتش به اختیار حق» است، نه «اختیار نفس»!

بگذار صریح‌تر سخن بگویم! خمینی و خامنه‌ای وقتی راحت‌تر و ساده‌تر سخن می‌گفتند و می‌گویند، آحاد مردم، اصل سخن را می‌گرفتند و هنوز هم می‌گیرند! آحاد مردم، بسی فرق دارند با فلان فعال مریض مجازی، که از هر سخنی، بدترین برداشت ممکن را می‌کند! آنی فرض کنید امام راحل عظیم‌الشان، در این عصر و در این روزگار، می‌فرمودند «نگذارید انقلاب، دست ناهلان و نامحرمان بیفتد!» و انکس جماعت دل‌آلوده، کاملا قابل پیش‌بینی بود! جمله‌ای دارند امام بزرگوار ما، مبنی بر آنکه اگر مردم دیدند نمایندگان دارند تخطی از اسلام می‌کنند، بروند مجلس و بریزند بیرون آنها را! مردم عزیز و بصیر ما اما معنای اصلی این سخن را هم حتی دشمن‌پسند و وحدت‌شکن و ضد قانون، تفسیر نکردند و «باطن کلام» را و «منظور سخن» را گرفتند، لیکن فرض کنید جمله مذکور امروز بیان می‌شد! آیا استبدادی داشت که این جماعت همیشه فراری از قانون، بخواهند به خمینی همیشه دعوت کننده به قانون، یاد بدهند که مجلس در رأس امور است؟! و میزان رأی ملت است؟! یعنی همان جملات خمینی!

طرفه حکایت اینجاست که ما امروز با جماعتی قلیل‌العدده اما علیل‌العقل طرفیم که هم کج فهم تشریف دارند و هم استادند در زدن خود به نفهمی! حرف از «قانون» بزنی، برداشت به «تصلب» می‌کنند! حرف از «نقد» بزنی، برداشت به «تخریب دولت» می‌کنند! حرف از «مقاومت» بزنی، برداشت به «تضعیف ملی‌گرایی» می‌کنند! و حرف از «مدافعان حریم امنیت کشور» بزنی، برداشت به «مدافعان اسد» می‌کنند! با این حساب، فرض است بر من و ما که از عقل پاره‌سنگ برداشته، توقعات بیجا نداشته باشیم که مثلا درست و دقیق، منظور